



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه الزهرا (س)  
 سردبیر: مهتاب مهوری  
 هیئت تحریریه: نویسندگان نشریه  
 مدیر مسئول: زینب قلبی زاده  
 طراح گرافیک و صفحه آرا: فاطمه زارع

# کتاب چی بخونم؟



همه ی اطراف ما را خبرهای تازه پر کرده است؛ این قدر معلومات، این قدر معارف در همه ی زمینه ها؛ ما چطور حاضر نیستیم سرک بکشیم و نگاهی بکنیم و ببینیم چه خبر است و در این دنیای معارف چه می گذرد؟! راهش این است که کتاب بخوانیم. هرکس که کتاب بخواند، از بخشی از معارف موجود عالم، از خبرهایی که در دنیا هست، از چیزهایی که بوده است، حتی از آنچه که در همه ی زمینه ها خواهد بود، مطلع خواهد شد؛ بنابراین بایستی کتاب خوانی را برای خودمان عادت سازیم

اگر کسی اینجا نشسته باشد و در اتاق بغل دستش خبر و چیز تازه و حرف جدیدی باشد، کمتر کسی است که طاقت بیاورد اینجا بنشیند و بلند نشود سر بکشد و ببیند این اتاق بغلی چه خبر است

مقام معظم رهبری دیدار یا جمعی از پیشکوتان جهاد و شهادت و خاطره گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۳۱.۶.۱۳۸۴

پیکره ی اصلی این داستان، روایتگر عشق ممنوعه ی پسر ی سنی به دختری شیعه، در بستری از حوادث و ناممکنات است. عشقی که علاوه بر پسر، به نظر دختر نیز غیر ممکن می رسد :در بخشی از این کتاب می خوانیم ابوراجح گفت: «ذهن و دلت این جا نیست. کجاست؟ نمی دانم. باید کاری کنی .» که نزد صاحبش برگردد فروشنده ای که شاهد این - صحنه بود، خنده اش گرفت. کنیزکی هم به من خندید. تا حالا این جوری گیج نبوده ام. ابوراجح دستش را جلوی دهانش گرفت و از ته دل خندید خدا به دادت برسد، فرزند! - این چیزهایی که تومی گویی، نشانه ی آدم های شوریده و عاشق است. لابد ماهرویی با تیرنگاهی تورا به دام عشق خود مبتلا کرده و خبرنگاری درست فهمیدی ابورجح نمی -

نویسنده: نفیسه سپه دوست



## به جنگل برمیگردیم

ازادی عمل، روابط آزاد، ازادی بیان، اقتصاد آزاد

و همه مشتقات دیگر ازادی که در اعصار اخیر مسئله ی اول جهان نمایانده شده و لاجرم دانشجو همانطور که فطرتا از او و اقتضای سنش بر میاید، در جست و جوی ازادیت دانشجو اما گاهی در جست و جوی ازادی، به سرباز او بدل میشود و بدنال ازادی بودن، خودش میشود یک حصار جدید، میشود یک مانع برای ازادی! تعجب نمیکنم اگر .تعجب کنید از این جملات قرن حاضر گویا کمر بسته به انحدام واژه ها! به پوچ کردن الفاظ از مفاهیم ،زینت، مردانگی، دیانت ازادی، عشق، خوشبختی، علم، اسپاست، زندگی، وجود دنیا به هیچ کدام رحم نکرد! و هرچه پیشتر رفتیم الفاظ از معنا تهی تر شد و وقتی به درجه ی خالی شدن رسید میشود خوراک جدید در ان ریخت. اصلا میشود لفظ ”زیبایی“ را

از مفهوم ”زشتی“ پر کرد! میتوان اذداد را طوری داخل هم جا داد که واحد جلوه کنند و این همان سرنوشت محتومیبست که ”ازادی“ !نیز به ان گرفتار شده است امروز روزگاریست که ازاد بودن در نفی محدودیت هاست؛ هرچه بیشتر حصار و حدود اطرافت را شکستی ازادتری و هیچ استثنایی در این روند تعریف نخواهد شد. در راه ازادگی، انسان ازاد مورد تمجید قرن بیست و یک خواهد گفت :از هرچه خواستی پا فراتر بگذار! و تو در دلت بگو :حتی از مرز های انسانیت! و راستی در دلت فاتحه ی تمام حقوق بشر دوستانه راهم بخوان به! با این فرمان، !به عقب برمیگردیم !به قانون جنگل و اینگونه است که با افتخار میگویم:(ازادی در نفی تعلق ((هاست نه رهایی از قید ها و کاش ای انسان عزیز! کمی از ان دست و پایی را که برای رهایی از قیود میزنی برای رهایی از تعلقات میزدی و تعلق یعنی چسبندگی و هرچه بیشتر به وسائل دنیایی بچسبی برده تر و در حصار تری و از لذت پرواز که لازمه اش ازادیت، در خواهی ماند

نویسنده: ه دوچشم

## ساعتت به وقت طلوع آزادی روز دانشجو بیدار باش

دانشجو ... مبادا خواب بمانی، بیدار باش به وقت ۱۶ آذر به رشادت ها ،استقامت ها،ضد استکباری ها و به آزادی خواهی دانشجویان شهید روز ۱۶ آذر...سلام به یاد همه شهدای دانشجویی که برایشان مهم بود دانشگاه،دانش، دانشجو،آرمانهایشان،عدالتخواهی...سلام به بهشتی ها،طالقانی ها،مفتح ها،مطهری ها،چمران ها...سلام

شهید چمران که آن زمان دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران بودکه شاهد عینی کشتار دانشجویان بوده است می گوید از آن روز ها یعنی ۱۶ آذر ۱۳۳۲سال ها میگذرد ولی وقایع آن روز چنان در نظرم مجسم است که گویی همه را به چشم میبینم صدای رگبار مسلسل در گوشم طنین میاندازد سکوت موحش بعد از رگبار بدنم را میلرزاند آه بلند و ناله جانگذار مجروحین را در میان این سکوت دردناک میشنوم دانشکده فنی خون آلود را در آن روز و روز های بعد به روشنی میبینم

آن روز ،ساکت ترین روز ها بود و چون شواهد و آثار ،احتمال وقوع حادثه ای را نشان میداد ،دانشجویان بی اندازه آرام و هوشیار بودند که به هیچ وجه ،بهانه ای به دست کودتاچیان حادثه ساز ندهند

نویسنده:فاطمه زارع

## سخن سردبیر

### چند خطی برای بشر

هرکه تاریخ خوانده از تکراری بودنش به وجد آمده! از اینکه واقعا انقدر ها هم خلاقیت ندارد این بشر دوپا. استراتژی های تکراری، نتایج تکراری تر! و این شاید امتیازیبست از جانب خدا. امتیازی که امتحان اور است. و من فکر میکنم در تکرار تاریخ شخصیت ها هم ما به ازا دارند! یعنی همان طور که امام ـ زمان داریم، یزید زمان هم داریم! حرمله ی زمان هم داریم! حتی وقایع و اتفاقات هم ما به ازا دارند، سقیفه ی زمان، جنگ احزاب زمان و کربلای زمان! و امان از کربلا!نقطه تلاقی تمام اشرار با خیور. از همین روست که میگویند، کل یوم عاشوراو کل ارض کربلا ! و گویا زمان ازسال ۶۱هجری نگذشته است! و چه کسیست که بتواند این حقیقت را انکار کند؟ چه کسی یمن را انکار میکند؟ یمن ـ عزیز، مقتل مصور قرن حاضر است!شمر سال ۶۱ هجری اب بروی بهترین خلق خدا بست و شمر این زمان با گاو شیر ده آماده به خدمتش به امت بهترین خلق خدا، شیعه، راه اب و غذا میبندند و به جای هر وعده در سفره ی نیم سوخته شان موشک و بمب میتکانند! میبینی؟ شخصیت ها همان است، حرمله همان حرمله است! شمر همان است روزگای پیسی داشت و حالا کله اش زرد است! روح همان است و انگار تنها در جسمی جدید حلول کرده اند ! این ها را گفتم که یادت باشد، هر وقت زیارت عاشورا باز کردی، و ” لعن الله“ هایش را گفتی، این لعنت به تمام زشتی های تاریخ است! لعنت به همه ی کودک کشان!لعنت به اربابان و انوکران جنگ و جنایت .... یادت باشد



# من تو

این صدای درون من است . حتما خود شما هم هر از گاهی صداهایی از درونت میشنوی که با تو سخن میگوید. این صدایی که از خود میشنوی متعلق به ”من “ ای است که از خود ساخته ای. شاید ”من“ متعلق به شما از خود یک دانشجو ساخته باشد . و یا ممکن است به دلیل مشکلات زندگی تحصیل را رها کرده و وارد کار شده باشد ؛ ممکن است کمی خجالتی و یا مضطرب باشد. کمی غر بزند و یا همواره گشاده رو باشد؛ ممکن است پر از شور و انرژی امید باشد . ممکن است لجوج ویا کمی مغرور باشد. ممکن است صبح ها خواب بماند و یا برعکس، بی خوابی به سرش زده باشد. ممکن است گاهی دقیق شود و یا شاید ساده از کنار مسائل مهمی رد شود. ممکن است از دیدن یک باغ شگفت زده شود و یا شاید از دیدن یک شوره زار وسیع به وجد بیاید. گاهی ”من“ متعلق به شما خدایش را در آغوش میکشد و گاهی خدا او را محکم به سینه محبت خود میچسباند .گاهی لبخند میزند و گاهی اخم میکند . ” من “میتواند شامل همه تان باشد .همه ی آنهايي که نفس میکشند و راه میروند و علائم حیاتی دارند. دقت میکنید؟ علائم حیاتی

وقتی صحبت از حیات میشود ناخود آگاه در دلتان انگیزه ای احساس میکنید. به اعتقاد ”من“ درون جسمم حیات همان انگیزه است. انگیزه ای که همه ی ”من“ های عالم آن را دارند. حال اگر قرار باشد در کل عالم تغییر جدیدی رخ دهد قطعا محقق نمیشود مگر اینکه تمام این ”من“ ها و منیت ها دست بدست هم داده و ”ما“ شوند. فقط زمانی میتوان امید به این دگرگونی داشت که من و تو و انگیزه هایمان دست هایمان را دور هم حلقه کنیم تا شرایطی فراهم شود برای آن لحظه ای که نوری فراگیر نقشه های درهم دریده ی جهان را به هم زند و تار و پودی تازه برایش بیافد تار و پودی که رنگ هایش دلربا تتمام رنگ های عالم است با این تفاوت که این رنگ ها شاید دل ها را برابیند اما فکر هارا نه شخصی که قرار است جهان را از نقاب های مصنوعی و لبخند های تلخ و بغض های فروخته و گرسنگی های شبانه و آرامش از دست رفته نجات دهد به کمک من و تو محتاج است. منجی مان منتظر است که او را بخوانیم. فقط به این دلیل که مارا روا کند

نویسنده:کوثر علیپور



## دانشجو تسخیر میکند

همه چیز آماده بود تا در عرض یک روز، یک ساعت، یک آن زلزله ای جهان را تکان دهد و تمام تلاش ها را با فروریختن دیوار بلند بایکوت خبری به خاک نشاند و تا ابد این روز را محل منازعه، افتخار و نقطه عطف تاریخ سازد و همگان این روز را روز شکست هیمنه امپریالیسم و روز شکست هیمنه آمریکا بنامند همه چیز آماده بود: دانشجویان چهار دانشگاه شریف،تهران،امیرکبیر و بهشتی، آهن برهای مخفی شده زیر چادر دانشجویان دختر تا با آتشفشانی آنچه در دل ها پنهان شده بود بیرون بریزد ثبت شود

در تاریخ که نهضت آزادی ها و دولت موقت و بازرگان با تماس های مکرر از همان ابتدای فتح لانه اجاسوسی آمریکا گفتند: نکنید، بیرون بیایید وگرنه با پلیس می آییم و شما را بیرون می کنیم و باعث شد دولت موقت- که به گفته دانشجویان فاتح لانه جاسوسی کفش تنگی بود که انقلاب به اجبار زمانه به پا کرده بود و جز رنج و زحمت برای مردم فداکار و شهید داده چیزی در بر نداشت- تمام ادعاهای ملی گرایانه اش را زیر پا بگذارد و از غیظ فتح سفارت به دست دانشجویان پیرو خط امام استعفا دهد! و تاریخ به استناد اسناد همان لانه جاسوسی ارتباط و سازش نهضت آزادی ها با آمریکا -عامل کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت قانونی دکتر مصدق پدر جبهه ملی و نهضت ازادی ها- را شهادت(گواهی) دهد

تسخیر سفارت، کاری بر خلاف عرف بین الملل که انگشت اتهام را به سمت آن کشور می برد. اتفاقی که بعدا درباره سفارت عربستان نیز رخ داد و برخلاف تسخیر لانه جاسوسی در داخل کشور نیز با نارضایتی و نقد فراوان همراه شد. هر واقعه تاریخی اگر جدای از بستر شرایط وقوع واقعه بررسی شود میتواند تصویر غلط و حتی وارونه ای را نشان دهد به همین سبب حتی موسوی خوئینی ها نسبت به این اتفاق در جواب سوال مصاحبه گر که پرسیده بود: ”به نظر شما اگر دانشجویانی که لانه ی جاسوسی را در سال ۵۸ تسخیر کردند “با تفکرات کنونی شان به آن زمان باز می گشتند، دست به چنین اقدامی می زدند؟“ گفت ضرب المثلی است که می گوید چرخ زمانه به عقب باز نمی گردد. یعنی اگر فرض کنیم ایران به سال های قبل از ۵۷ باز گردد و اگر همان شرایط تکرار شود باز هم همان “کار تکرار می شود اما تسخیر سفارت آمریکا در دل آن حوادث معنا پیدا می کرد

غائله های گروهک های مختلف در گوشه و کنار کشور، مسائل کردستان که در آن ها ردپای آمریکا به خوبی دیده می شد و مهم ترین اتفاق که پناه بردن شاه به آمریکا و بلوکه شدن اموال ایران توسط آمریکا بود و رویه معمول هر انقلاب که توضیح میدهد که در شرایط انقلاب انقلابیون نمادها و هر آنچه که بر علیه آن انقلاب کرده اند را به نوعی تسخیر می کنند. صحبت امام خمینی(ره) چند روز قبل از اقدام به تسخیر سفارت-”هر آنچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید“ نیز باعث شد تا دانشجویان در شورای انجمن های اسلامی دانشگاه های کشور به این نتیجه قطعی برسند که موثرین اقدام برای حفظ انقلاب و اسلام و منافع ملی تسخیر سفارت آمریکاست که رشته رشته کنار هم قرار گرفتن اسناد خرد شده و روشن شدن دخالت و نفوذ و جاسوسی اشکار آمریکا در ایران مهر تاییدی بر این اقدام دانشجویان شد

هرچند دانشجویان فاتح سفارت ابتدا قصدشان تسخیر سه روزه و تحت فشار قراردادن آمریکا جهت بازگرداندن شاه و اموال بلوکه شده بود ولی با تایید امام و انقلاب دوم نامیدن آن و کشف اسنادی که از کوره و دستگاه پودر کننده مصون مانده بودند باعث شد این تسخیر ۴۴۴ روز به طول بیانجامد و تمام تلاش قدرت های رسانه ای جهان برای بایکوت کردن انقلاب اسلامی ناپود شود نگاه به این اتفاق و بررسی نقش دانشجویان جوان در به وجود آوردن چنین حادثه ی بزرگی می تواند الگوی روشنی برای دانشجویان امروز باشد و نشان دهد که برخلاف تلاش برخی - از اصلاح طلب گرفته تا اصولگرا- که قد جنبش دانشجویی را در حد فعالیت حزبی پایین می آورند، جنبش دانشجویی کشور توانمندی بالقوه و بالفعل برای نقش آفرینی جهانی را دارد

محقق:عاطفه ربیعی نسب



### سرک کشیدن در معارف عالم

اگر کسی اینجا نشسته باشد و در اتاق بغل دستش خبر و چیز تازه و حرف جدیدی باشد، کمتر کسی است که طاقت بیاورد اینجا بنشیند و بلند نشود سر بکشد و ببیند این اتاق بغلی چه خبر است همه ی اطراف ما را خبرهای تازه پر کرده است؛ این قدر معلومات، این قدر معارف در همه ی زمینه ها؛ ما چطور حاضر نیستیم سرک بکشیم و نگاهی بکنیم و ببینیم چه خبر است و در این دنیای معارف چه می گذرد؟! راهش این است که کتاب بخوانیم. هرکس که کتاب بخواند، از بخشی از معارف موجود عالم، از خبرهایی که در دنیا هست، از چیزهایی که بوده است، حتی از آنچه که در همه ی زمینه ها خواهد بود، مطلع خواهد شد؛ بنابراین بایستی کتاب خوانی را برای خودمان عادت سازیم

مقام معظم رهبری

دیدار با جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴، ۳۱.۶



## زنان علیه زنان

**اندر حکایت استعداد های کشف نشده ی مجلس شورای اسلامی**

اساسا بهترین تعریفی که می توان از فراکسیون زنان ارائه داد این است!!!!فراکسیونی بارویکردی فرواسلامی!!!!باهدف غربیزه کردن هرچه پیشتر زندگی زنان ایرانی اصلا گاهی اوقات آدم به فکر فرو می رود که این فراکسیون چگونه سر از مجلس شورای اسلامی در آورده است؟ می گویند چرا؟ الان خدمتتان با دو مثال عرض می کنم اواخر اردیبهشت ماه سال جاری بود که این فراکسیون طرح حذف اذن پدر برای ازدواج دختران بالای 28 سال را به مجلس ارائه کرد.طرحی که جزء نوادر تاریخی تصویب قوانین از زمان منشور کوروش تا کنون بوده و در نهایت توسط کمیسیون قضایی مجلس رد شد اما بد نیست با مرور طرح و شرایط شادتر از خود طرح به اوج تخصص نمایندگانی که به مجلس فرستادیم پی ببریم. این شروط که به شرح ذیل است نشان میدهد گویا متخصصین این فراکسیون ازدواج را با استخدام اشتباه گرفته اند

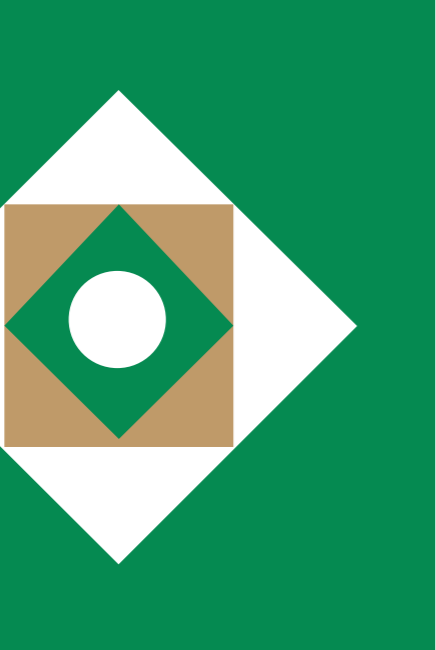
نشریه ایما بسیج دانشجویی دانشگاه الزهرا(س)

سن بالای ۲۸ سال
مدرک حداقل کارشناسی ارشد
پنج سال سابقه کار +بیمه بازنشستگی
طبق اخبار واصله برای خانواده دوستانی که بعد از شنیدن این خبر، به علت عدم توانایی در تطبیق ارتباط بین اذن پدر و بیمه بازنشستگی، جان به جان آفرین تسلیم نمودند، حق دیه و قصاص وجود دارد
گذشت وگذشت و عزیزان این فراکسیون که در تلاش برای کنار گذاشتن یکی از شروط شرعی و عقلی ازدواج شکست خوردند هدف خود را تغییر داده و گفتند: حال که نتوانستیم اذن پدر را برداریم خود ازدواج را بر میداریم
مهرماه بود که خبر رسید عزیزان فراکسیون دوباره به دنبال طرح افزایش حداقل سن ازدواج هستند. طرحی که هر سال تقریبا به مجلس ارائه می شود و در آن حداقل سن ازدواج چند سال افزایش می یابد. یعنی کار به جایی رسیده است که دوستان از انجام دستورات دین به صورت کامل فارغ شده اند و افتاده اند به دنبال جلوگیری از اجرای دستورات دین با دلایلی غیر عقلانی. آخر کدام منطقی میپذیرد به علت سوء استفاده بعضی از خانواده ها و اجبار کودکان به ازدواج با مردان مسن کلا ازدواج دختران زیر ۱۸ سال را منع کنیم در حالی که بر اساس آمار رسمی کشور از سال ۹۶تا۸۳ ، ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ سال با پسران ۲۰ تا ۲۴ سال بین گروه های سنی مختلف ازدواج ، بیشترین تعداد را داشته است و در جامعه به عنوان هنجاری اجتماعی جا افتاده است.علاوه بر آن بیشترین آمار طلاق مربوط به گروه سنی ۲۵تا۲۹ سال است و همچنین بیشترین طلاق های ثبت شده در طول زندگی زوجین مربوط به طول زندگی



امان از دست دانشجو! که چه قشر پر حاشیه ای است این قشر دانشجو. بماند که حاشیه هایش این روزها به دانش آموزان هم سرریز کرده دانشجو که باشی، بعضی ها تو را جور دیگری می ببیند، رویت حساب دیگری باز می کنند. می گویند ناسلامتی مکتب رفته و تحصیل کرده است. چهار کلاس سواد دارد. سرش به تنش می ارزد. خیر سرش فرهیخته است. پس فردا لیسانسه می شود بعضی ها هم آدم حسابت نمی کنند. می گویند دانشجو است، دهانش بوی شیر می دهد. امروز عاشق است و فردا فارغ. آمده چند واحد پاس کند و برود آن هم به ضرب و زور معرفی به استاد و اما و اگر. البته خودمانیم، خیلی هم بیراه نمی گویند گاهی دلم برای دانشجو ها می سوزد. است. پس فکر می کنم که گوشت قربانی هستیم ما. گاهی احساس می کنم هیچ

استاد: برای نمره اضافه این متن ها را ترجمه کنید
ترجمه: می خواهم کتاب چاپ کنم.
لطفا کمک کنید
پیش نماز مسجد دانشگاه:شما اَدانشجویان الگوی سایرین هستید
ترجمه:خودتون رو یه اذره جمع و جور کنید



نویسنده:طاهره یاور طلب



کس با ما رو راست نیست. نشان به آن نشانی که باید حرف همه را ترجمه کنی. می گویی نه؟ نگاه کن

نامزد ریاست جمهوری در ایام انتخابات: شما دانشجویان در صف مقدم عرصه های سیاسی و علمی کشور هستید
اَترجمه: لطفا به من رای دهید
استاد: خب، تا کجا درس دادیم؟
ترجمه: من طرح درس مشخصی ندارم و هر چه بادا باد

نویسنده:فاطمه نبیونی



استاد در هفته یکی مانده به آخر اسفند: هفته بعد هم میایید؟
ترجمه: هفته بعد من نمیام، شما هم بی خود بلند نشید بیایید

مسئول آموزش دانشکده: نمی اِدونم
ترجمه: می دونم ولی حال ندارم
اِجواب بدم